141103 ـ دچار وسواس است و به روزه‌اش شک دارد

سوال

دختری بیست و چهار ساله هستم. هنگامی که هفده سال داشتم دچار بیماری وسواس شدم و مدتی بعد تحت درمان قرار گرفتم اما هنوز آثار آن باقی است و خیلی اذیتم می‌کند به طوری که این روزها به خودم می‌گویم: وقتی دبیرستان بودم عمدا افطار کرده‌ام و الان هم عمدا روزه‌ام را خورده‌ام. با وجود آنکه اصلا یادم نمی‌آید روزه‌ام را خورده باشم و به سبب همین بیماری چیزهای زیادی را از یاد می‌برم و نمی‌توانم به یادش بیاورم، پس آیا درست است که ممکن است روزه‌ام را خورده باشم؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

تا وقتی که شما به یاد نمی‌آورید در رمضان روزهٔ خود را خورده‌اید این شک چیزی جز وسوسهٔ شیطان نیست و هیچ الزامی برای شما ایجاد نمی‌کند. علما قاعده‌ای را ذکر کرده‌اند مبنی بر اینکه: مسلمان اگر عبادتی را انجام دهد سپس بعد از پایان شک کند که آیا درست انجامش داده یا خیر؟ به این شک توجه نشان نمی‌دهد و کارش صحیح خواهد بود.

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«این قاعدهٔ بسیار مهمی است. شک پس از پایان عبادت تاثیری در عبادت ندارد. برخی از مردم وقتی نمازشان تمام می‌شود و سلام می‌دهند شیطان به نزدشان آمده می‌گوید: سورهٔ فاتحه را نخواندی، تنها یک سجده کردی... شک در اینجا دور انداخته می‌شود زیرا شک پس از پایان عبادت اثری ندارد.

برخی از مردم بسیار شک می‌کنند، عبادتی انجام نمی‌دهند مگر همراه با شک. این شخص نیز شک را باید دور کند و به آن توجهی نشان ندهد زیرا این وسواس است» (دروس وفتاوى الحرم المدني: ۱۵۳).

بر این اساس، اگر شیطان وسوسه‌ات کرد که روزه‌ات را خورده‌ای به این شک توجهی نکن و خودت را به آن مشغول نساز.

ابن جوزی ـ رحمه الله ـ داستان جالبی در این باره نقل کرده می‌گوید:

نقل شده که مردی به نزد ابوحازم آمد و گفت: شیطان نزد من می‌آید و می‌گوید: تو زنت را طلاق داده‌ای و مرا به شک

می‌اندازد. ابوحازم گفت: مگر طلاقش نداده‌ای؟ گفت: نه! گفت: دیروز نزد من نیامدی و همینجا طلاقش ندادی؟ گفت: به خدا سوگند فقط امروز نزد شما آمده‌ام و اصلا طلاقش نداده‌ام! ابوحازم گفت: برای شیطان نیز همینطور که برای من سوگند یاد کردی قسم بخور و مشکلی برایت پیش نمی‌آید (الأذکیاء: ۳۱).

بهترین درمان برای این وسوسه‌ها ذکر بسیار پروردگار متعال و دعا و پناه بردن به او از شیطان است و بعد از آن رویگردانی و بی‌توجهی به این گونه وسوسه‌ها، چرا که باید جلوی اینگونه فکرها را گرفت و ادامه‌اش نداد اگر چه این برای نفس دشوار است اما راه درمان همین است.

برای مطالعۀ بیشتر در این زمینه مراجعه نمایید به سوال شمارۀ (62839).

والله اعلم.